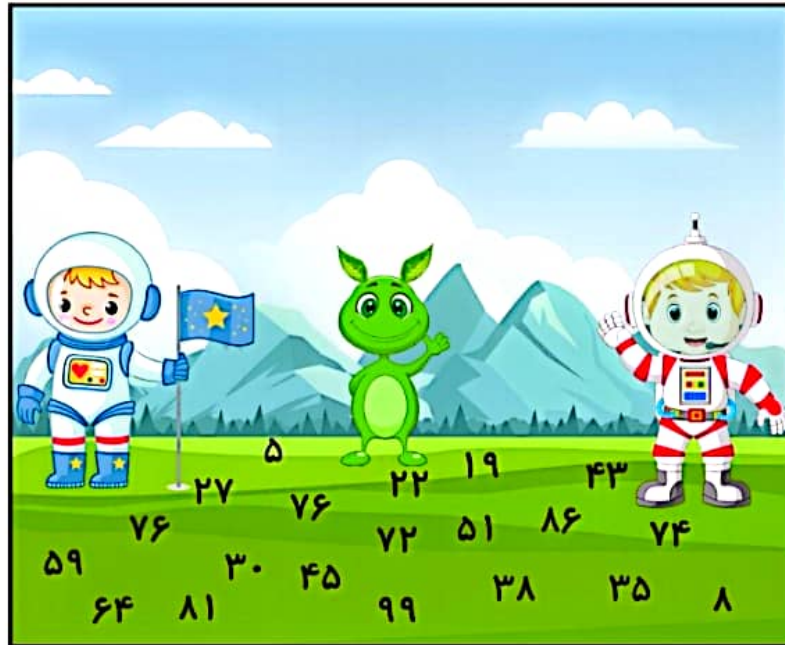




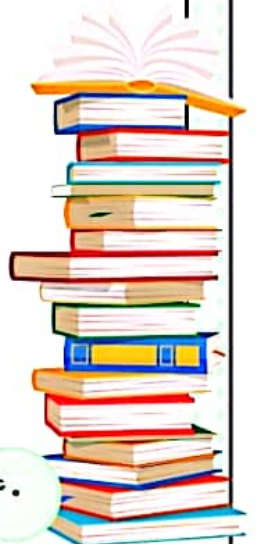
ماجرای فضایی



در دل کهکشانی دور، دو فضانورد شجاع به نام‌های آریا و آراد در سفینه‌ی فضایی به نام شاتل در حال گشت و گذار بودند. آن‌ها با هیجان به هر گوشه‌ی کیهان سر می زدند و از دیدن ستاره‌ها، سیاره‌ها و کهکشان‌های جدید لذت می‌بردند.

یک روز، در حالی که شاتل با سرعت در فضا می‌رفت، ناگهان با یک سیاره‌ی آبی رنگ بسیار زیبا روبه‌رو شدند. این سیاره آنقدر آبی و درخشان بود که انگار یک الماس بزرگ در دل فضا می‌درخشید. آریا و آراد با دیدن این منظره‌ی شگفت‌انگیز، تصمیم گرفتند که در این سیاره فرود آیند.

وقتی شاتل در نزدیکی سیاره قرار گرفت، آریا با دقت سفینه را کنترل کرد و روی سطح نرم و سبز سیاره فرود آمد. آریا و آراد از سفینه خارج شدند و به اطراف نگاه کردند. همه جا پر از گل‌های رنگارنگ، درختان بلند و رودخانه‌های آبی بود. هوای سیاره بسیار پاک و تازه بود و پرندگان زیبایی با آوازهای دلنشین در آسمان پرواز می‌کردند. در حالی که آریا و آراد مشغول تماشای این منظره‌ی زیبا بودند، ناگهان موجودات عجیبی را دیدند که به سمت آن‌ها می‌آمدند.





این موجودات قد کوتاهی داشتند و پوست بدنشان سبز رنگ بود. آن‌ها چشمان بزرگی داشتند و گوش‌هایشان شبیه برگ درخت بود. آریا و آراد با

خوشحالی به سمت موجودات رفتند و با آن‌ها سلام و احوال‌پرسی کردند.

موجودات سبز پوست خیلی زود با آریا و آراد دوست شدند. آن‌ها به آریا و آراد نشان دادند که در خانه‌هایشان زندگی می‌کنند. خانه‌های آن‌ها از برگ درخت ساخته شده بود و داخل آن‌ها پر از میوه‌های رنگارنگ و سبزیجات تازه بود.

آریا و آراد متوجه شدند که موجودات سبز پوست بسیار مهربان و باهوش هستند. آریا و آراد هرچه بیشتر با موجودات آشنا می‌شدند، بیشتر به آن‌ها علاقه‌مند می‌شدند. یکی از موجودات سبز پوست به نام دیگو به آریا و آراد گفت: ما عاشق اعداد هستیم. ما همه چیز را با اعداد می‌شماریم و با آن‌ها بازی می‌کنیم. می‌خواهید با ما یک بازی اعداد انجام دهید؟

آریا و آراد با اشتیاق قبول کردند. دیگو آن‌ها را به یک میدان بزرگ برد که روی زمین آن اعداد زیادی نوشته شده بود. برخی از اعداد زوج بودند و برخی دیگر فرد. دیگو توضیح داد: ما موجودات سبز پوست، به اعداد زوج و فرد علاقه‌ی خاصی داریم. اعداد زوج دوست‌های ما هستند و اعداد فرد دشمن‌های ما. هر عدد زوجی که پیدا کنید، یک امتیاز می‌گیرید و هر عدد فردی که پیدا کنید، یک امتیاز از شما کم می‌شود.

آریا و آراد بازی را شروع کردند. آن‌ها با دقت به اطراف نگاه می‌کردند و سعی می‌کردند اعداد زوج را پیدا کنند. هر وقت یک عدد زوج پیدا می‌کردند، با خوشحالی آن را لمس می‌کردند و یک امتیاز می‌گرفتند. اما پیدا کردن اعداد فرد کمی سخت‌تر بود. بعضی وقت‌ها اشتباه می‌کردند و روی یک عدد فرد قدم می‌گذاشتند و یک امتیاز از دست می‌دادند.

در طول بازی، آریا و آراد چیزهای جالبی یاد گرفتند. آن‌ها فهمیدند که اعداد زوج و فرد چقدر می‌توانند جالب و سرگرم‌کننده باشند.

بعد از مدتی بازی، دیگو به آریا و آراد گفت: شما خیلی خوب بازی کردید. شما دوستان خوبی برای ما هستید. آن شب، آریا و آراد در خانه‌ی دیگو ماندند. آن‌ها با هم غذا خوردند و داستان‌های زیادی برای هم تعریف کردند. آریا و آراد هیچ وقت این ماجراجویی فراموش‌نشدنی را فراموش نخواهند کرد.





داستان را خواندی، حالا به سوال ها پاسخ بده.

۱) اسم سفینه‌ی فضایی آراد و آریا چه بود؟

۲) آراد و آریا در ماجراجویی خود با دیدن چه منظره‌ای شگفت زده شدند؟

۳) چرا موجودات سبز پوست به اعداد زوج علاقه‌ی بیشتری داشتند؟

۴) موجودات فضایی چه ویژگی‌هایی داشتند؟

۵) خانه‌ی موجودات سبز رنگ از چه چیزی ساخته شده بود؟

۶) چرا آریا و آراد این ماجراجویی را فراموش نشدنی می‌دانستند؟

۷) از روی عکس، اعداد زوج را پیدا کن و بنویس.

۸) از روی عکس، اعداد فرد را پیدا کن و بنویس.

۹) اگر آریا ۱۰ عدد زوج پیدا کند و ۵ عدد فرد، در مجموع چند امتیاز می‌گیرد؟

